

ماهنامه آیات و روایات موضوعی

شکر

فضیلت، آداب و شرایط قرائت قرآن

اقرأ و القرآن و عملوا به و لا تجفوا عنه.
إذا التبست عليكم الأمور كقطع الليل العظم



فعلیکم بالقرآن



ماهنامه شماره ۳: قرآن، فضیلت، آداب و شرایط قرائت قرآن

۱۴ صلوات برای سلامتی آقا امام زمان علیه السلام

فهرست

صفحه	عنوان
۳	آیات
۳	روایات
۴	قرآن همیشه تازه است
۵	شفا و درمان به قرآن
۵	بی نیازی با خواندن قرآن
۶	سفارش روزی پنجاه آیه قرآن خواندن
۶	فضیلت خانه هایی که در آن ها قرآن خوانده شود
۶	ثواب خواندن ده تا هزار آیه در شب
۷	خواندن قرآن از روی نوشته قرآن
۷	شمرده خواندن و خوش آواز خواندن قرآن
۷	یاد گرفتن قرآن
۹	بعضی از شرایط و آداب تلاوت قرآن
۱۰	آداب ظاهریه قرائت قرآن
۱۰	آداب باطنیه قرائت قرآن
۱۴	حکایات
۱۶	ماهنامه های قبلی و بعدی

آیات

« وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا »

(ما قرآن را نازل می کنیم که مایه شفا و رحمت مؤمنان است، ولی برای ستمگران جز خسران و زیان بیشتر، چیزی نمی افزاید)

(اسراء: ۸۲)

« وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ »

(و قطعاً قرآن را برای پند آموزی آسان کرده ایم. پس آیا پند گیرنده ای هست؟)

(القمر: ۱۷)

روایات

✽ رسولُ اللهِ ﷺ: إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْأُمُورُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِالْقُرْآنِ؛ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاجِلٌ مُصَدَّقٌ، مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ

پیامبر خدا ﷺ: هر گاه کارها همچون پاره های شب تاریک بر شما تاریک و شبهه ناک شد، به قرآن روی آورید؛ زیرا قرآن شفیع است که شفاعتش پذیرفته است و شاکی و خصمی است که شکایتش قبول می شود. هر که قرآن را فرا روی خود قرار دهد، او را به سوی بهشت کشاند و هر که آن را پشت سر خویش نهد، به سوی دوزخش براند.

(نوادیر الراوندی: ۲۱، ۲۲)

✽ رسولُ اللهِ ﷺ: لَمَّا قِيلَ لَهُ: أُمَّتَكَ سَتَفْتَنُنَّ، فَسُئِلَ: مَا الْمَرْجُحُ مِنْ ذَلِكَ؟: كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزُ، الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ

پیامبر خدا ﷺ وقتی (از سوی خداوند) به او گفته شد: بزودی امت تو گرفتار فتنه خواهد شد، پرسیدند: راه خلاص از آن چیست؟: کتاب گرامی خدا، همان که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سر بدو راه نیابد، چیزی که از سوی حکیمی ستوده نازل شده است. هر که علم را در جز قرآن بجوید، خداوند گمراهش کند.

(تفسیر العیاشی: ۱/۶/۱۱)

✽ رسولُ اللهِ ﷺ: عَلَيْكُمُ بِالْقُرْآنِ، فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا وَقَائِدًا

پیامبر خدا ﷺ: بر شما باد به قرآن، آن را پیشوا و رهبر خود سازید.

(کنز العمال: ۴۰۲۹)

✽ رسولُ اللهِ ﷺ: فَضَّلُ الْقُرْآنَ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

پیامبر خدا ﷺ: برتری قرآن بر دیگر سخنان، همچون برتری خدا است بر خلق خود.

(البحار: ۱۸/۱۹/۹۲)

✽ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ بِمَا أَرَاهُمْ مِنْ قُدْرَتِهِ

امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، قدرت خویش را در کتابش نمایان ساخت و بدین سان خویشتن را به بندگانش، بی آن که او را ببینند، نشان داد.

(نهج البلاغه: الخطبة ۱۴۷)

✽ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ، لَا يَسْبِقُكُم بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ

امام علی علیه السلام: خدا را! خدا را! درباره قرآن، مبادا دیگران با عمل به آن، بر شما پیشی گیرند.

(نهج البلاغه: الكتاب ۴۷)

✽ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَعَلَّمُوا كِتَابَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ، وَأَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْقَصَصِ

امام علی علیه السلام: کتاب خداوند تبارک و تعالی را بیاموزید؛ زیرا که آن نیکوترین سخن و رساترین اندرز است و قرآن را بفهمید؛ زیرا که آن بهار دلهاست و از نور آن شفا جوید؛ زیرا که آن شفابخش بیماریهای سینه هاست و آن را نیکو تلاوت کنید؛ زیرا که آن بهترین، داستان است.

(تحف العقول: ۱۵۰)

❖ الإمام زين العابدين علیه السلام: لو مات من بين المشرق والمغرب لما استوحشت بعد أن يكون القرآن معي و كان علیه السلام إذا قرأ - مالك يوم الدين يكررها حتى كاد أن يموت

امام سجّاد علیه السلام: اگر همه مردم از شرق تا غرب عالم بمیرند، همین که قرآن با من است، هرگز احساس وحشت و تنهایی نکنم. و شیوه‌اش بود که هر گاه مالکِ یومِ الدین را می‌خواند، آن را تکرار می‌کرد تا نزدیک بود بمیرد.

(الکافی: ۶۰۲/۲)

❖ امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه خدای عز و جل خلق اولین و آخرین را در محشر جمع کند به ناگاه همه بنگرند شخصی پیش آید که هرگز صورتی زیباتر از وی دیده نشده است و چون چشم مؤمنان به وی افتد که همان قرآن است گویند: این از ما است، این بهترین چیزی است که ما دیدیم و چون به آنها رسد و از آنها هم بگذرد و آنها گویند: این قرآن است و از آنان هم می‌گذرد تا به فرشته‌ها می‌رسد و می‌گویند: این قرآن است و از آنها می‌گذرد تا به سمت راست عرش می‌ایستد و خدای جبار می‌فرماید: به عزت و جلالم و به بلندی مقامم سوگند، هر آینه امروز گرامی دارم هر که تو را گرامی داشته و هر آینه امروز خوار کنم هر که تو را خوار کرده است.

(الکافی: ۶۰۲/۲)

❖ قال الامام الصادق علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله إن أهل القرآن في أعلى درجة من آدميين ما خلا النبيين والمرسلين فلا تسنصعوا أهل القرآن حقوقهم فإن لهم من الله العزيز الجبار مكاناً علياً

از امام صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: راستی اهل قرآن در بالاترین درجه آدمیانند جز پیغمبران و رسولان، حقوق اهل قرآن را کم مشمارید زیرا از طرف خدای عزیز جبار مقام بلندی دارند.

(الکافی: ۶۰۳/۲)

❖ قرآن همیشه تازه است

رسول الله صلی الله علیه و آله: القرآن غني، لا غني دونه، ولا فقر بعده

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قرآن ثروتی است، که بدون آن توانگری نباشد و با وجود آن فقری نه.

(البحار: ۱۸/۱۹/۹۲)

❖ رسول الله صلی الله علیه و آله: من أعطي القرآن فظن أن أحداً أعطي أكثر مما أعطي فقد عظم صغيراً وصغر كبيراً

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هر کس (نعمت دانستن) قرآن داده شود و با این حال گمان کند که به دیگری نعمتی بالاتر و بیشتر از این نعمت او داده شده است، بی گمان کوچکی را بزرگ شمرده و بزرگی را کوچک.

(معانی الأخبار: ۲۷۹)

❖ رسول الله صلی الله علیه و آله: من أراد علم الأولين والآخرين فليثور القرآن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خواهان علم پیشینیان و آیندگان، از اول تا به آخر دنیا است، در قرآن کاوش و تأمل کند.

(کنز العمال: ۲۴۵۴)

❖ الإمام علي علیه السلام: لا تخلقه كثرة الرد وولوج السمع

امام علی علیه السلام: قرآن هر اندازه هم تکرار شود و به گوش خورد، باز کهنه نمی‌شود.

(نهج البلاغه: الخطبة ۱۵۶)

❖ الإمام علي علیه السلام: إن فيه شفاءً من أكبر الداء، وهو الكفر والنفاق، والغِي والضلال

امام علی علیه السلام: در قرآن، درمان بزرگترین دردهاست: درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی.

(نهج البلاغه: الخطبة ۱۷۶)

❖ **الإمام الصادق علیه السلام لما سُئِلَ: ما بال القرآن لا يزداد على النّشر والدّرس إلاّ غصاصة؟ لأنّ الله تبارك وتعالى لم يجعله لزمان دون زمان، ولا لناس دون ناس، فهو في كلّ زمانٍ جديّد، وعند كلّ قومٍ غصٌّ إلى يوم القيامة**

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چه سرّی است که قرآن هر چه بیشتر خوانده و بحث شود، برتازگی و طراوت آن افزوده می شود؟ حضرت فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی، آن را تنها برای زمانی خاص و مردمی خاص قرار نداده است. از این رو، در هر زمانی و برای هر مردمی، تا روز قیامت، تازه و باطراوت است.

(البحار: ۸ / ۱۵ / ۹۲)

❑ شفا و درمان به قرآن

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

القرآن هو الدواء..... قرآن دواست

(نهج الفصاحة، ص ۵۲۳)

❖ **القرآن غني لا فقر بعده و لا غني دونه**

قرآن غنائی است که پس از آن فقری نیست و غنائی (بی نیازی) جز آن نیست.

(همان)

❖ **لا فاقة لعبد يقرأ القرآن و لا غني له بعده**

بنده ای که قرآن خواند فقیر نشود و او را بالاتر از قرآن بی نیازی ای نیست.

(همان)

❖ **ان هذه القلوب تصدء كما يصدء الحديد قيل فما جلاءها قال ذكر الموت و تلاوة القرآن**
دلها مانند آهننگ زنگ می زند، گفتند صیقل آن چیست؟
گفت یاد مرگ و خواندن قرآن.

(نهج الفصاحة، ص ۵۲۲)

❖ **اقرأ و القرآن و عملوا به و لا تجفوا عنه و تغلوا فيه و لا تاكلوا به لا تستكثروا به**

قرآن بخوانید و بدان عمل کنید و از آن دور نشوید و در آن غلو نکنید، به وسیله قرآن نان نخورید و به کمک آن فزونی مجوئید.

(نهج الفصاحة، ص ۵۲۱)

❖ **الإمام الصادق علیه السلام عن أبيه ع قال شكّا رجلٌ إلى النبي صلی الله علیه و آله وجعاً في صدره فقال صلی الله علیه و آله استشف بالقرآن فإنّ الله عزّ و جلّ يقول و شفاء لما في الصدور**

حضرت صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام حدیث کند که مردی از درد سینه به پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد، حضرت فرمودند: به وسیله قرآن شفا بجوی زیرا خدای (عز و جل) فرماید: (و شفاء لما فی الصدور سوره یونس / ۵۷) و این قرآن شفا است برای آن چه در سینه ها است.

(کافی، ج ۴، ص ۴۰۰)

❑ بی نیازی با خواندن قرآن

قال الامام الصادق علیه السلام من قرأ القرآن فهو غني و لا فقر بعده و إلا ما به غني

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که قرآن بخواند او بی نیاز شود و نیازی پس از آن نیست، و گرنه (اگر قرآن بی نیازش نکند) هیچ چیز او را بی نیاز نکند.

(کافی، ج ۴، ص ۴۰۸)

□ سفارش روزی پنجاه آیه قرآن خواندن

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً
حضرت صادق علیه السلام فرمود: قرآن عهد خداوند و فرمان اوست است به خلقش پس سزاوار است برای شخص مسلمان که در این عهد و فرمان
خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند.

(کافی، ج ۴، ص ۴۱۲)

□ فضیلت خانه هایی که در آن ها قرآن خوانده شود

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى صَلُّوا فِي الْكَنَائِسِ وَالْبَيْعِ وَعَطُّوا
بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَانْتَسَعَ أَهْلُهُ وَأَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا
پیغمبر اسلام علیه السلام فرمود: خانه های خود را با تلاوت قرآن روشن کنید و آن ها را گورستان نکنید چنانچه یهود و نصاری کردند، در کلیساها
و عبادتگاههای خود نماز کنید، ولی خانه های خویش را معطل گذارند (و در آن عبادتی انجام ندهند) زیرا که هر گاه در خانه بسیار تلاوت
قرآن شود خیر و برکتش زیاد شود، و اهل آن به وسعت رسند، و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنان چه ستارگان آسمان برای
اهل زمین می درخشند.

(کافی، ج ۴، ص ۴۱۳)

❖ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكَثُرُ بَرَكَتُهُ وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ
وَيُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلَا يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَقَلُّ بَرَكَتُهُ
وَ تَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و یاد خدا عز و جل گردد، برکتش بسیار شود و فرشته ها در آن حاضر شوند و
شیاطین آن را ترک کنند و برای اهل آسمان بدرخشند چنانچه اختران برای اهل زمین می درخشند و راستی خانه ای که در آن قرآن خوانده
نشود و یاد خدا عز و جل در آن نگردد، برکتش کم شود و فرشته ها از آن دوری گزینند و شیاطین در آن حاضر شوند.

(کافی، ج ۲، ص ۶۱۰)

□ ثواب خواندن ده تا هزار آیه در شب

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ
كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَتِي آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ وَمَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسَمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ
الْمُجْتَهِدِينَ وَمَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنْ تِبْرِ الْقِنْطَارِ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفَ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ وَالْمِثْقَالُ أَرْبَعَةُ وَعِشْرُونَ قِيرَاطًا
أَصْغَرُهَا مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ وَ أَكْبَرُهَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ

حضرت باقر علیه السلام فرمود: که رسول خدا علیه السلام فرموده: هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود، و هر کس پنجاه آیه
بخواند در زمره ذاکرین نوشته شود و هر کس صد آیه بخواند در زمره قانتین نوشته شود، و هر که دویست آیه بخواند از خاشعین نوشته
شود، و هر که سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته شود، و هر که پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدین نوشته شود، و هر که هزار آیه بخواند
برای او (ثواب انفاق) یک قنطار از طلا نوشته شود، و هر قنطار پانزده هزار مثقال طلا است، که هر مثقالی بیست و چهار قیراط است، که
کوچکترین آن ها به اندازه کوه احد و بزرگترین آن ها به اندازه آن چه میان زمین و آسمان است.

(کافی، ج ۴، ص ۴۱۵)

❖ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر که صد آیه بخواند از هر جای قرآن که باشد، و بعد از آن هفت مرتبه (یا الله) بگوید، اگر بر سنگی
دعا کند خدا آن را بشکافد.

(بحار، ج ۹۲، ص ۱۷۶. ثواب الاعمال، ص ۲۲۱)

✽ حضرت موسی علیه السلام فرمود: هر که از بلیه ای ترسد، و صد آیه بخواند از هر جای قرآن که خواهد، بعد از آن سه مرتبه بگوید: (اللهم اكشف عني البلاء) خدا آن بلا را دفع نماید.

(کافی، ج ۴، ص ۴۲۷)

✽ قَالَ الامام الصادق علیه السلام قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَ لَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ

از امام صادق علیه السلام نقل شده قرائت قرآن موجب کم شدن عذاب از والدین می شود اگر چه والدین کافر باشند.

(کافی، ج ۴، ص ۴۱۶)

▣ خواندن قرآن از روی نوشته قرآن

امام صادق علیه السلام فرمود:

- هر که قرآن را از روی مصحف (نوشته) بخواند از دیده خود بهره ور شود و سبب تخفیف عذاب پدر و مادرش گردد، گرچه کافر باشند.
- من خوش دارم که در خانه قرآنی باشد، که خدا عز و جل بدان شیاطین را دور می کند.
- سه چیز است که به درگاه خدا عز و جل شکایت می کند: مسجد ویرانی که اهلس در آن نماز نمی خوانند، و دانائی میان نادانها، و مصحف (قرآن) که آویخته است و گرد بدان نشسته و آن را نمی خوانند.
- اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت، من قرآن در دل حفظ دارم، آن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی مصحف (قرآن)؟
گوید: به من فرمود: بلکه بخوان و در مصحف نگاه کن که آن بهتر است، آیا ندانی که نگاه در مصحف عبادت است.

▣ شمرده خواندن و خوش آواز خواندن قرآن

عبد الله بن سلیمان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از قول خدا عز و جل (سوره مزمل آیه ۴): «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا»، فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: یعنی او را خوب بیان کن و کلماتش را روشن ادا کن و چون شعر، پست سر هم و به شتاب مخوانش و چون ریگ پراکنده مسازش ولی دلهای سخت خود را با آن به هراس اندازید و نباید که همت یکی از شماها این باشد که سوره را پایان دهد.

▣ یاد گرفتن قرآن

قال رسول صلى الله عليه وآله: خيركم من تعلم القرآن و علمه.

بهترین شما کسی است که قرآن را را تعلیم گیرد و تعلیم دهد.

(نهج الفصاحه)

✽ قال الامام الصادق علیه السلام: إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ وَ يَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلَّةٍ حِفْظٍ لَهُ أُجْرَانِ

امام صادق علیه السلام می فرمود: راستی کسی که با قرآن همدم است و آن را به مشقت حفظ می کند دو اجر دارد.

(الکافی: ۲ / ۶۰۶)

✽ قال الامام الصادق علیه السلام: مَنْ شُدِّدَ عَلَيْهِ فِي الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ أُجْرَانِ وَ مَنْ يُسَّرَ عَلَيْهِ كَانَ مَعَ الْوَالِدَيْنِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که به سختی قرآن را یاد گیرد، دو اجر دارد، و هر که به آسانی یاد گیرد، با اولین باشد

(الکافی: ۲ / ۶۰۷)

✽ قال الامام الصادق علیه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را بیاموزد و یا آنکه در کار یاد گرفتن آن باشد.

(الکافی: ۲ / ۶۰۷)

❁ یعقوب احمر، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من بدهکاری بسیاری دارم و تا آنجا اندوه و پریشانی به دلم راه یافته که قرآن را از دستم ربنده است و فراموشم کرده، امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن، قرآن، راستی که یک آیه از قرآن و یک سوره از آن روز قیامت می آید تا هزار درجه بالا می رود، یعنی در بهشت و می گوید: اگر تو مرا با خود نگهداشته بودی تو را به این مقام می رسانیدم.

(الکافی: ۲ / ۶۰۸)



بعضی از شرایط و آداب تلاوت قرآن

بدان که: ثواب تلاوت قرآن، بی اندازه، و قدر فضیلت آن از حد گفتن بیشتر است.

از حضرت پیغمبر ﷺ روایت شده است که: «هیچ شفیع در روز قیامت بلند مرتبه‌تر از قرآن نیست، نه پیغمبری و نه ملکی و نه غیر اینها. و فرمود که: خدای تعالی هزار سال پیش از آنکه عالم را خلق کند سوره طه و یس را خواند، چون ملائکه آن را شنیدند گفتند: خوشا به حال امتی که این بر ایشان نازل شود. و خوشا به حال سینه‌هایی که اینها را حفظ کند. و خوشا به حال زبانهایی که اینها را بخواند. و فرمود که: هر گاه قرآن در پوستی باشد آتش به آن نمی‌رسد.

یعنی: هر کس قرآن را حفظ نموده باشد آتش پوست بدن او را مس نمی‌کند.

و احادیث در خصوص ثواب آن بی حد و اندازه می‌باشد که بعضی از آن روایات ذکر شده است. و چگونه چنین نباشد؟ و حال اینکه آن کلام پروردگار است که حضرت روح الامین حامل آن، و برسد المرسلین نازل شده است. و فکر و تأمل کن کلامی که بدون واسطه از خدا صادر شده باشد، و لفظ آن از نهایت فصاحت به حد اعجاز رسیده باشد. و معنی آن طوری است که: شامل بر اصول حقایق معارف و مواعظ (نصایح) و احکام، و ... و نفس را از آن، چقدر صفا حاصل می‌شود؟! پس بر کسی که از اهل ایمان باشد مواظبت بر تلاوت آن لازم بوده و ملاحظه آداب و شرایط تلاوت، حتمی است. و از برای آن، آداب ظاهریه‌ای و آداب باطنیه است.

آداب ظاهریه قرائت قرآن

اما آداب ظاهریه آن، آن است که:

- با وضو باشد.
 - به حالت ادب، با آرامش و وقار نشسته، یا ایستاده باشد.
 - رو به قبله بوده و تکیه زده باشد.
 - چهار زانو نشسته باشد، و پای خود را نکشیده باشد.
 - مانند کسی باشد که: در نزد فردی با احترام می‌نشیند، یا می‌ایستد. و شمرده و با تأنی بخواند.
- و برای همین است که: در احادیث رسیده است که: هر گاه کسی در کمتر از سه روز، قرآن را ختم کند دانا نیست.

(مَجْمَعُ الْبَيْضَاءِ، ج ۲، ص ۲۲۲ و احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۴۸)

در حدیث دیگر است که: «خوش ندارم که کسی در کمتر از یک ماه، یک ختم قرآن کند.

(کافی، ج ۲، ص ۶۱۷، ح ۱)

بلی در ماه مبارک رمضان، احادیث وارد است که: در هر سه روز، یک ختم بکند.

(کافی، ج ۲، ص ۶۱۸، ح ۵)

و بعضی از آداب، آن این است که:

- گریه کند. و اگر او را گریه نیامد خود را به گریه بدارد.
- و کمی بلند بخواند، اگر از ریا کردن ایمن باشد.
- و اگر می‌تواند صدای خود را زینت دهد، اما نه به نحوی که: مشتمل بر ترجیع باشد.
- و حق آیات را مراعات کند، (بدین نحو که: چون به آیه سجده رسد سجده کند. و چون به آیه عذاب رسد پناه به خدا ببرد. و چون به آیه رحمت و ذکر نعمتهای بهشت رسد، آن را از خدا درخواست نماید. و چون به آیه‌ای رسد که: مشتمل بر تسبیح یا تکبیر پروردگار باشد تسبیح و تکبیر او کند. و چون به آیه دعا و استغفار رسد دعا و استغفار کند).

و در ابتدای قرائت بگوید:

«أعوذُ باللهِ السميعِ العليمِ من الشيطانِ الرجيمِ»

و بعد از تمام شدن هر سوره بگوید:

«صدق الله العلی العظيم و بلغ رسوله الکریم اللهم انفعنا به و بارک لنا فيه الحمد لله رب العالمین»

آداب باطنیه قرائت قرآن

و اما آداب باطنیه آن چند چیز است:

اول: یاد آوردن عظمت و بزرگی سخن و بزرگی مرتبه آن و یاد آوردن فضل الهی و لطف او را بر خلق خود، که چنین کلامی را از عرش جلال، امر به نزول فرموده و آن را به فهم بندگان خود نزدیک ساخته و کلام خود را به حالت حروف در آورده تا بندگان را طاقت شنیدن آنها باشد. و اگر حقیقت جمال، کمال کلام را به حالت حروف در نمی آورد، نه عرش را توانایی شنیدن آن بود و نه ما تحت الثری را. بلکه اجزاء ایشان متلاشی می شد.

« لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایتہ خاشعاً متصدعاً من خشية الله »

یعنی: «اگر ما این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم می دیدی آن را که ذلیل می شد و از هم شکافته می گردید»

(حشر، ۲۱)

بلی: مخلوق ضعیف را کجا طاقت عظمت کلام الهی و یارای تحمل تلائو و درخشندگی نور اوست؟! و رسانیدن خدای تعالی کلام را با وجود بزرگی درجه آن به فهم قاصر (ناچیز) انسانی به واسطه بیان آن را از برای ایشان به حالت حروف و الفاظ، شبیه است به صدا کردن انسان از برای چهارپایان و مرغان، زیرا انسان چون بخواهد چهارپا یا مرغی را صدا و تفهیم کند که بیاید یا برود بخاطر اینکه فهم آنها از فهمیدن کلام انسانی که از روی شعور و عقل صادر می شود و با ترتیب تمام در نهایت نظم به آن سخن گفته می شود ناتوان، برای همین آدمی در سخن گفتن از مرتبه انسانیت پائین می آید و در سخن گفتن با آن حیوانات به آنچه لایق آنهاست صدا می کند.

پس همچنین انسان چون از حمل کلام الهی قاصر و عاجز بود، برای همین سلطان کلام او از عرش عظمت و جلال به درجه فهم انسان نزول کرد. و به ظاهر حروف و اصوات تجلی و بروز نمود.

دوم: در وقت قرآن خواندن، تعظیم و احترام صاحب کلام را به خاطر بیاورد و به یاد داشته باشد که:

آنچه می خواند کلام بشر نیست بلکه کلام خداوند متعال و خالق خورشید و ماه است. و در خواندن کلام او نهایت خطر است. و همانطوری که شایسته نیست که بی طهارت (بی وضو) دست بر جلد و ورق و کلمات آن لمس کنند، همچنین زبانهای ناپاک را که به کلمات ناشایست و زشت سخن می گویند سزاوار نیست که آن را بخوانند. و دلهای مملو از رذایل اخلاقی را توفیق درک و تفکر در معانی اش نمی باشد.

و خلاصه باید در وقت قرائت قرآن، متوجه تعظیم کلام و متکلم (خداوند) باشد. و اگر به جهت غفلت دل، در وقت قرائت تعظیم و احترام خداوند را به یاد نداشته باشد، ساعتی قبل از تلاوت، در صفات و افعال الهی فکر کرده و به یاد داشته باشد که: این کلام کسی است که به مجرد اراده مقدسه و محض مشیت کامله، تمام آنچه می بیند و می شنود از عرش و کرسی و آسمان و زمین و آنچه در میان آنها و در زیر و بالای آنهاست به وجود آمده و خالق و رزاق کل اوست. و همه موجودات، و تمام مخلوقات از ثری تا به ثریا در قبضه قدرت اومسخر و اسیرند. برخی غرق در فضل و رحمت او و بعضی گرفتار سخط و غضب او. و تمام این چیزها در مقابل آنچه‌های که قابل حس نیست (از عوالم مجردات) هیچ قدر و اندازه است. و چون در مانند اینها فکر کند قلب او غرق عظمت و بزرگی الهی می گردد.

و یکی از بزرگان دین، چون قرآن را برای تلاوت باز کرد گفت:

«هذا کلام ربی هذا کلام ربی»

یعنی: این کلام پروردگار من است. این کلام پروردگار من است، و بیهوش گشت.

سوم: با حزن و اندوهگینی و رقت قلب تلاوت نماید.

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که:

قاری قرآن، محتاج به سه چیز است:

دلی خاشع (فروتن)، و بدنی فارغ، و مکانی خلوت

• زیرا هرگاه دل او خاشع باشد شیطان از او می گریزد.

• و چون بدن او از مشاغل (کارهای روز مره) جدا باشد دل او متوجه قرآن خواندن می شود و چیزی باعث نمی شود که او را از نور قرآن و فواید آن محروم سازد.

• و چون در مکان خلوتی باشد و از خلق کناره گرفته باشد، باطن او با خدا انس می‌گیرد و جلالت خطابه‌های الهی را که با بندگان صالحین خود کرده می‌یابد، و لطف او را به ایشان می‌داند.

و چون از این مشرب جامی نوشید هیچ حالی را بر این اختیار نمی‌کند. و هیچ وقتی را از این خوشتر نمی‌دارد، زیرا در آن وقت بی‌واسطه در مناجات با پروردگار است.

(مصباح الشریعة، باب ۱۴، ص ۱۰۰-۹۷)

چهارم: حضور قلب و ترک افکار دنیوییه و وسوس باطله در آن وقت.

پنجم: تدبیر و تفکر در معانی قرآن. و آن امری است غیر از حضور قلب.

خدای (تعالی) می‌فرماید:

«افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها»

یعنی: «آیاتفکر و تدبیر در معانی قرآن نمی‌کنند یا بر دل‌های ایشان قفلها زده‌اند؟»

(سوره محمد، آیه ۲۴)

و اگر نتواند تدبیر کند مگر اینکه آیه را تکرار کند سزاوار آن است که: تکرار نماید.

و به این سبب بسیار بوده است که بزرگان دین آیات را تکرار می‌کرده‌اند. بسا بوده که: در یک آیه، مدتی توقف می‌کرده‌اند.

ششم: به محض تفکر در فهم معنی ظاهر اکتفا نکند، بلکه سعی کند تا حقیقت معنی بر او روشن شود. پس چون به آیه‌ای رسد که مشتمل بر صفات الهی است مثل:

«و هو السميع البصير» یعنی: او شنوا و بیناست. ----- (سوره شوری، آیه ۱۱)

و مثل:

«هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر»

اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آرایش، منزله از هر عیب و ناشایست، ایمنی بخش، نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر با جبروت و بزرگواری منزله و پاک از هر چه بر او شریک پندارند.

(حشر، آیه ۲۳)

در معانی این اسماء و صفات خوب تفکر کند و شاید که اسرار آنها بر او گشوده گردد.

و چون به آیه‌ای رسد که: ذکر افعال الهی در آنها شده از: خلقت آسمانها و زمینها و ملائکه و ستارگان و کوهها و حیوانات و نباتات و ابر و باد و باران و غیر اینها پس از اینها عظمت و جلال الهی را یاد آورد. و در هر فعلی، فاعل آن را ملاحظه کند.

و چون به آیه‌ای رسد که: مشتمل بر وصف بهشت یا دوزخ یا غیر اینها از احوال آخرت است، به یاد آورد که: آنچه در این عالم است از نعمتها و بلاها در پیش نعمت و بلاى آخرت قدر هیچ چیز نیست. پس از آن به عظمت خدا پی برد. و در دل فقط به او پناه ببرد، که او را از عذابهای آن عالم نجات بخشند. و به نعمتها و لذات آن برسانند.

و چون به احوال انبیاء، و آنچه بر ایشان وارد شده از اذیت کردن امت و قتل و ضرب ایشان، رسد یادآور بی‌نیازی و استغناى الهی گردد. و معترف به این گردد که: اگر همه ایشان با اُمت‌هایشان هلاک می‌شدند به قدر ذره‌ای در ملک او اثری ظاهر نمی‌شد.

و چون به آیه‌ای رسد که: بیان یاری اهل حق در آن است یادآور قدرت الهی و بزرگی حق او گردد.

و همچنین در جمیع آیات وعده و وعید و امر و نهی.

هفتم: خود را از آنچه مانع فهم معانی قرآن است نگاهدارد. و آن چند امر است:

• تقلید و تعصب از برای مذهبی بدون اینکه طالب حق باشد در آن، زیرا آن به منزله پرده‌ای است از برای آئینه دل، که منع می‌کند از تأییدن آنچه غیر اعتقاد او است در آن.

• جمود بر تفسیر ظاهر قرآن به اعتقاداتی که غیر از این تفسیری برای آن نیست. و از این روست که در روایات از آن منع شده است.

• صرف کردن تمام تلاش و ذهن و فهم خود را در تحقیق حروف و مخارج آن و سایر اموری که متداول میان قاریان است، زیرا همه تامل را صرف بر این کردن، مانع از فهمیدن معانی آن است.

• و از آن جمله: اصرار بر گناهان ظاهریه و باطنیه و پیروی شهوات، که باعث تاریکی دل و محرومی از کشف اسرار حقایق و تاییدن انوار معارف حقه است در آن.

هشتم: هر خطابی که در قرآن ملاحظه کند چنان تصور کند که: خطاب به اوست و او مقصود از آن خطاب است. و هر قصه از قصه های پیامبران قبل را مشاهده نماید جزم کند که: مقصود از آن، عبرت گرفتن اوست نه محض قصه خوانی و حکایات، زیرا که: جمیع قرآن، هدایت و ارشاد و رحمت و شفا و موعظه و نور و راهنمایی عالمیان است.

پس هر که آن را بخواند باید که خواندن او به نحوی باشد که: بنده، فرمان آقای خود را که به او نوشته که آن را بفهمد و به مقتضای آن عمل کند بخواند.

نهم: دل او متأثر شود به آثار آیات مختلفه. پس در هنگام تلاوت قرآن، حالات متفاوتی برای او حاصل شود به حسب هر آیه، از: ترس و شادی و بیم و امید و دلتنگی و گشادگی. به این نحو که:

چون به آیه ای رسد که مشتمل بر تهدید است، دل او مضطرب و نگران گردد.

و چون به آیه ای رسد که دلالت بر وسعت رحمت و وعده مغفرت کند شاد و فرحناک گردد و شکفتگی و انبساط در او به هم رسد.

و چون به وصف بهشت رسد اثر شوق به آن در دل او ظاهر شود.

و چون به شرح دوزخ رسد علامات ترس در او پیدا گردد.

و چون به ذکر صفات جلال و نعوت جمال و اسمای خداوند - متعال - رسد تضرع و فروتنی کند و به یاد عظمت و کبریای او افتد و امثال اینها. و مقصود کلی از تلاوت قرآن، حصول این حالات است در دل و عمل به آن، و الا مجرد جنبانیدن زبان، امر سهلی است.

دهم: در تلاوت قرآن، حال او در ترقی (پیشرفت) باشد، زیرا درجات تلاوت کنندگان، که از غافلین نیستند و از مرتبه غفلت بیرون آمده اند سه گونه است:

اول: (مرتبه پائین تر) آن است که: خود را چنان تصور کند که در حضور پروردگار ایستاده و قرآن می خواند و خدای (تعالی) به او نظر می کند و کلام او را می شنود. و در این وقت، حال او درخواست و تضرع و... است.

دوم: چنان در قلب خود مشاهده نماید که: گویا خداوند عظیم به لطف و کرم خود به او خطاب می کند و سخن می گوید و امر و نهی می کند. و مقام او در این وقت، مقام هیبت و حیا و گوش دادن و شنیدن است.

سوم: به هیچ وجه متوجه خود و تلاوت خود نباشد، بلکه همه تلاش او متوجه بر صاحب کلام (خداوند متعال) باشد. و فکر او فقط متوجه به او باشد. به طوری که: گویا مستغرق مشاهده جمال او است و او را پروای غیر او نیست.

و این، درجه «مقربین» و «صدیقین» است. و دو درجه سابق، درجه «اصحاب یمین» است. و آنچه غیر اینها باشد درجات غافلین است.

و حضرت سید الشهداء علیه السلام روحی فداه اشاره به مرتبه سوم فرموده است:

«الذی تجلی لعباده فی کتابه بل فی کل شیء. و اراهم نفسه فی خطابه بل فی کل نور و فیء» یعنی: «تجلی کرد از برای بندگان خود در کتاب خود، بلکه در هر چیزی. و نمایان ساخت خود را به ایشان در گفتار خود، بلکه در هر نور و سایه.

(جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۷۷)

و روایت شده است که: امام جعفر صادق علیه السلام را در نماز، حالتی روی داد که بیهوش بر زمین افتاد، و چون به هوش آمد علت آن را پرسیدند فرمود: آیه را تکرار کردم بر دل خود تا گویا آن را از صاحب کلام شنیدم و چشمم را طاقت دیدن قدرت او نماند.

و اگر کسی به این درجه رسید شادی او بی حد، و لذت و حلاوت تلاوت او بی پایان می گردد.

و یکی از بزرگان گفته است که: «من قرآن می‌خواندم و مطلقاً شیرینی آن را نمی‌فهمیدم تا آنکه طوری شد که گویا قرآن را از پیغمبر ﷺ می‌شنوم که بر صحابه کبار می‌خواند. و بعد از آن، از این مقام ترقی کردم، پس می‌خواندم آن را تا گویا از جبرئیل می‌شنیدم که تلقین حضرت پیغمبر ﷺ می‌نمود. پس خدا لطف وجود به من فرمود که به مقام بالا ترقی نمودم که گویا آن را از صاحب کلام می‌شنوم. و در آن وقت نعیم و لذتی یافتیم که: از آن صبر نمی‌توانم کرد. و بعضی از صحابه گفته اند که: «هرگاه دلها پاک گردد هرگز از قرائت قرآن سیر نمی‌گردد.»

یازدهم: از حول و قوه خود دور شده و چشم رضا و خوبی خود را نبیند. پس هرگاه به آیه‌ای رسد که: مشتمل بر وعد و مدح نیکان باشد خود را از زمره ایشان نبیند. و از اهل آن وعده نشمارد، بلکه اهل صدق و یقین را از اهل آن وعده شمارد. و شوق نماید که: خدا او را به ایشان ملحق سازد. و چون به آیه‌ای رسد که: مشتمل بر مذمت گناهکاران و مقصرین باشد چنان تصور نماید که خود مخاطب این آیه است. و به این، اشاره فرموده است حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که در وصف متقین می‌فرماید که: چون به آیه‌ای رسیدند که مشتمل است بر تهدید و تحویف، گوشهای دل خود را بر آن می‌دارند و چنان پندارند که صدای فریاد غریدن جهنم به گوش‌های ایشان می‌رسد.

۱- توجه به خلق یا خالق

شخصی همواره ملازم در خانه عمر بن خطاب بود. به خانه او می‌رفت آمد تا کمکی مادی نصیبت شود. عمر از دست او خسته شده و به او گفت: ای آقا به در خانه خدا هجرت کرده‌ای یا به در خانه عمر؟ برو قرآن بخوان و از تعلیمات قرآن بیاموز، که تو را از آمدن به درب خانه‌ام بی‌نیاز می‌سازد.

او رفت، و ماهها گذشت و دیگر نیامد. عمر جستجو کرد و اطلاع پیدا کرد که او از مردم دوری کرده و در جای خلوتی به عبادت اشتغال دارد.

عمر به سراغ او رفت و به او گفت: مشتاق دیدار تو شدم (و آمدم از تو احوال بپرسم)، فلانی بگو بدانم، چه چیزی سبب شده که از ما دور گشتی و بریدی؟!

او در پاسخ گفت: قرآن خواندم، قرآن مرا از عمر و آل عمر بی‌نیاز ساخت. عمر گفت: کدام آیه را خواندی که چنین تصمیم گرفتی؟ او گفت: قرآن می‌خواندم، به این آیه رسیدم (و فی السماء رزقکم و ما توعدون، روزی شما با همه وعده‌ها که بشما دادند در آسمان (بامر خدا مقدر) است) ذاریات: ۲۲

با خود گفتم: رزق و روزی من در آسمان است ولی من آن را در زمین می‌جویم، پس برآستی بد مردی هستم عمر از این سخن تحت تأثیر قرار گرفت و گفت: راست می‌گوئی.

حکایتهای شنیدنی ۶۵/۲ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۳۲۰، ۱۹

۲- پیامبر و قرآن

یکی از ویژگیهای عرفانی پیامبر ﷺ مانوس بودن با قرآن بود. سعد بن هشام گوید: نزد عایشه همسر رسول خدا ﷺ رفتم و از اخلاق آن حضرت پرسیدم؛ او بمن گفت: آیا قرآن می‌خوانی؟ گفتم: آری، اخلاق رسول خدا (مطابق) قرآن است.

آهنگ صدای رسول خدا ﷺ چنان بود که قرآن را از همه مردم زیباتر و دلرباتر می‌خواند. چنانکه انس بن مالک خدمتکار پیامبر ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ هنگام خواندن قرآن، آهنگ صدایش را می‌کشید.

ابن مسعود که از کاتبان وحی بود، می‌گوید یک روز رسول خدا ﷺ به من فرمود: مقداری قرآن بخوان تا من گوش کنم.

من سوره مبارکه نساء را می‌خواندم تا رسیدم به آیه ۴۱ (و کیف اذا جننا من کل امة بشهید و جننا بک علی هؤلاء شهید: چگونه باشد آن هنگام که از هر امتی گواهی آریم و تو را برای این امت بگواهی خواهیم)

همین که این آیه قرائت شد، دیدم چشمان رسول خدا ﷺ پر از اشک شد، سپس فرمود: (دیگر بس است)

به نقل از محجة البيضاء ج ۴ ص ۱۲۰ و بحارالانوار ج ۹۲ ص ۳۲۶ و کحل البصر ص ۷۹

۳- احمد بن طولون

احمد بن طولون یکی از پادشاهان مصر بود. وقتی که از دنیا رفت از طرف حکومت وقت، یک قاری قرآن را با حقوق زیادی اجیر کردند تا روی قبر سلطان قرآن بخواند. روزی خبر آوردند که قاری، ناپدید شده و معلوم نیست به کجا رفته! پس از جست و جوی زیاد او را پیدا کردند و پرسیدند: چرا فرار کردید؟ جرأت نمی‌کرد جواب بدهد، فقط می‌گفت: من دیگر قرآن نمی‌خوانم.

گفتند: اگر حقوق شما کم است دو برابر این مبلغ را به تو می‌دهم! گفت: اگر چند برابر هم بدهید نمی‌پذیرم. گفتند: دست از تو بر نمی‌داریم تا دلیل این مسأله روشن شود. گفت: چند شب قبل صاحب قبر احمد بن طولون به من اعتراض کرد که چرا بر سر قبرم قرآن می‌خوانی؟

گفتم: مرا این جا آورده اند که برایت قرآن بخوانم تا خیر و ثوابی به تو برسد. گفت: نه تنها ثوابی از قرائت قرآن به من نمی‌رسد، بلکه هر آیه ای که می‌خوانی آتشی بر آتش من افزوده می‌شود، به من می‌گویند: می‌شنوی؟ چرا در دنیا به قرآن عمل نمی‌کردی؟ بنابراین مرا از خواندن قرآن برای آن پادشاه بی‌تقوا معاف کنید.

روایتها و حکایتهای ۱۳۱ - داستانهای پراکنده ۵۵/۲

۴- پانصد قرآن بالای نیزه

در صفین چون موقعیت شامیان بخطر افتاد و معاویه احساس شکست نمود، با عمروعاص به مشورت پرداخت که چه کند تا از شکست حتمی نجات یابد.

عمروعاص پیشنهاد داد: هر که قرآنی دارد بالای نیزه بلند کند و مردم عراق را به حکومت قرآن بخوانید.

ابوطفیل از اصحاب امام می گوید: صبح لیلۃ الہریر مشاهده کردیم که جلو سپاهیان شام چیزهایی شبیه پرچم دیده می شود. چون هوا روشن شد، ملاحظه کردیم که قرآن‌ها را روی نیزه بسته اند، و قرآن بزرگ مسجد شام را روی سه نیزه نصب کرده و ده نفر آن را بلند می کنند، و در هر یک از پنج قسمت لشکر صد قرآن و مجموعاً پانصد قرآن را در بالای نیزه ها مقابل سپاه عراق قرار دادند و چنین شعار می دادند: خدا را خدا را درباره دینتان این کتاب خدا است حاکم میان ما و شما.

امام علی علیه السلام فرمود: خدایا تو می دانی که هدف اینها قرآن نیست، تو خود میان ما و اینها حکم کن که تو حاکم بر حقی.

عمل مردم شام موجب شد که در میان اصحاب امام اختلاف ایجاد شد، دسته ای ساده اندیش گفتند: دیگر برای ما جنگیدن جایز نیست، که اینها ما را به کتاب خدا می خوانند. دسته دیگر گفتند: کار معاویه حيله است و نباید فریب خورد. این اختلاف سبب گردید که معاویه از جنگ خلاص شد و به مقصود خود رسید.

شاگردان مکتب ائمه (ص) ۳۷۲

۵- ناپلئون

ناپلئون روزی درباره مسلمین فکر کرد و پرسید: مرکز آنان کجاست؟ گفتند: مصر. وقتی با یک مترجم به کشور مصر مسافرت کرد، و به کتابخانه وارد شد. مترجم قرآن را باز کرد و این آیه آمد: (براستی که دین قرآن هدایت می کند بآنچه درست و محکمتر است و بر مؤمنان بشارت می دهد) (ان هذا القرآن یهدی للتی هی اءقوم و یشیر المؤمنین) - الاسراء ۹، وقتی مترجم این آیه را برای او خواند و ترجمه کرد؛ از کتابخانه بیرون آمد و شب را تا صبح ب فکر این آیه بود. صبح باز به کتابخانه آمد و مترجم آیاتی دیگر از قرآن را برایش ترجمه کرد.

روز سوم هم مترجم از قرآن برای او ترجمه کرد و خواند. ناپلئون از قرآن سؤال کرد. گفت: اینان معتقدند که خداوند قرآن را بر پیامبر آخرالزمان محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است و تا قیامت کتاب هدایت آنان است.

ناپلئون گفت: آنچه من از این کتاب استفاده کردم اینطور احساس نمودم که (اول) اگر مسلمین از دستورات جامع این کتاب استفاده کنند روی ذلت نخواهند دید. (دوم) تا زمانی که قرآن بین آنها حکومت کند، مسلمانان تسلیم ما غریبها نخواهند شد؛ مگر ما بین آنها و قرآن جدائی بیفکنیم.

رهنمای سعادت ۲/ ۴۷۸ - همای سعادت ص ۹۶

منابع: میزان الحکمه، معراج السعاده، یکصد موضوع ۵۰۰ داستان و

شماره‌های چاپ و آماده شده:

۱. نماز جماعت (فضایل انجام آن و کیفرهای ترک آن)
۲. غیبت (شناخت معنی و حقیقت غیبت و راه معالجه آن)
۳. قرآن (فضیلت، آداب و شرایط قرائت قرآن)
۴. مرگ ۱ (چرا از مرگ می‌ترسیم)
۵. توبه
۶. حکایت‌هایی از توبه
۷. سوالهای حضرت رسول (ص) از پروردگار در شب معراج
۸. سفارشات لقمان به پسرش
۹. موسیقی (آثار موسیقی بر اعصاب و روان)
۱۰. حدیث معراج (روایتی مفصل در شرح واقعه "اسراء" و "معراج" و ...)
۱۱. مسجد خانه اوست
۱۲. حجاب (و روابط بین زن و مرد)
۱۳. شراب؟!
۱۴. نماز اول وقت
۱۵. وضو
۱۶. نماز (۱) (فلسفه و حکمت نماز، فضایل انجام، و پیامدهای ترک و سبک شماری آن)
۱۷. نماز (۲) (فلسفه و حکمت نماز، فضایل انجام، و پیامدهای ترک و سبک شماری آن)
۱۸. آداب انعقاد نطفه (ویژه زن و شوهرها)

إن شاء الله موضوعات آینده:

- حسد، ریا، تهمت، دروغ،
وظایف پدر و مادر نسبت به فرزندان (تربیت فرزند حدیثی)
وظایف فرزندان نسبت به پدر و مادر،
تفکر، نیکویی اخلاق، ملائکه، مرگ ۲ (معاد)،
مرگ ۳ (معاد)، انگشتر (عقیق)، صلوات،
کسب و کار، صبر، ازدواج و ...

ایمیل: namaz19@yahoo.com

کلوب آیدی: namaz110 (طلبه پاسخگو)

التماس دعا